AFP

در گفت‌وگوی «ایران» با فرشید باقریان، اهداف سفر اردوغان به عراق و اقلیم کردستان بررسی شد

اقتصاد با چاشنی سیاست

گفت‌وگو

حسین فاطمی
خبرنگار

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه امروز بعد از ۱۲ سال راهی عراق می‌شود. به گفته دفتر ریاست جمهوری ترکیه، وی در جریان حضور در عراق، سفر یک روزه‌ای هم به اقلیم کردستان عراق خواهد داشت. آن طور که منابع ترکیه‌ای به نقل از مقامات عنوان کرده‌اند رئیس جمهور ترکیه قصد دارد در این سفر، پیرامون صادرات نفت اقلیم کردستان عراق، مسائل آبی، امنیت مرزها و پروژه چند میلیارد دلاری راه‌آهن که از سواحل جنوبی عراق تا مرز ترکیه در شمال امتداد دارد، گفت‌وگو کند و در همین ارتباط از دیروز یک گروه اقتصادی را نیز راهی بغداد کرده است. این در حالی است که صادرات نفت اقلیم کردستان در پی رأی دیوان دادرسی بین‌المللی به نفع دولت مرکزی بغداد در پرونده شکایت از انتقال نفت اقلیم کردستان به بندر جیهان ترکیه، در مارس ۲۰۲۳ میلادی متوقف شد. به‌رغم مذاکرات متعدد بین مقامات کرد، عراقی و ترکیه، صادرات هنوز از سر گرفته نشده است. قرار است در جریان این دیدارها، امنیت مرزها و حضور حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) در مناطق کوهستانی اقلیم کردستان نیز مورد بحث قرار گیرد. اما برای بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر اهداف و دلایل سفر اردوغان به عراق و اقلیم کردستان، گفت‌وگویی با فرشید باقریان، تحلیلگر ارشد مسائل ترکیه و عراق صورت گرفته است که در ادامه از نظر می‌گذرانید؛

● جناب باقریان! در تحلیل و تفسیر اهداف سفر پیش روی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه به عراق و همچنین اقلیم کردستان از سه منظر امنیتی و نظامی، دیپلماسی آب و حوزه محیط زیست و همچنین دیپلماسی انرژی و حوزه نفتی و گازی می‌توان ورود کرد. اما اگر بخواهیم در یک اولویت بندی از شما بپرسیم که هدف محوری و کانونی سفر اردوغان پس از یک دهه به عراق چیست، چه برآوردی دارید؟

اتفاقاً اگرچه شما به اهدافی مانند حوزه امنیتی و نظامی، دیپلماسی انرژی و مسأله نفت و گاز یا حوزه محیط زیست و دیپلماسی آب اشاره کردید، اما به نظر من هدف محوری و کانونی سفر اردوغان به عراق در حوزه اقتصادی و تجاری جای دارد که اتفاقاً به نظر من می‌تواند به «بای پس (دور زدن) کردها و اقلیم کردستان عراق» منجر شود.

● بر اساس برخی برآوردها هدف کانونی اردوغان از این سفر بررسی و حل برخی موضوعات و چالش‌ها با اقلیم کردستان و کردها با محوریت پ.ک.ک است و در این راستا به اربیل هم سفر خواهد کرد....

ببینید من به روند موضوعات بین اقلیم کردستان و ترکیه برای پرونده کردی کاری ندارم. من مشخصاً به اهداف این سفر اردوغان به عراق تمرکز می‌کنم و به باور من با توجه به اتفاقاتی که در حال شکل‌گیری است، گفتم و دوباره هم تکرار می‌کنم که این سفر می‌تواند به دور زدن کردها منجر شود؛ بله به گفته شما اینجا اردوغان سفری هم به اقلیم کردستان خواهد داشت و در اربیل با مقامات کرد هم دیدار می‌کند، اما در این سفر به اقلیم و دیدار با کردها، اردوغان فقط سعی دارد یک ژست دیپلماتیک در مقابل اربیل داشته باشد.

● پس باید پرسید که هدف سفر چیست که می‌تواند به دور زدن کردها منجر شد؟

هدف اصلی سفر اردوغان به عراق تلاش برای تحقق کریدوری است که ترکیه به آن کریدور «توسعه» می‌گوید. کریدور توسعه شامل یک راه‌آهن به طول ۱۲۰۰ کیلومتر از جنوب ترکیه به بندر فاو در عراق است و نکته اینجاست که این پروژه ریلی و کریدور توسعه مد نظر ترکیه از اقلیم کردستان عراق و اربیل رد نمی‌شود و قطعاً اقلیم کردستان عراق از این موضوع خشنود نیست. به همین دلیل عرض کردم که این سفر اردوغان به عراق مشخصاً می‌تواند به دور زدن کردها منجر شود و اردوغان مجبور است برای آنکه دلجویی دیپلماتیکی داشته باشد یک سفر سمبولیک هم به اربیل بکند و از طرف دیگر درصدی را هم از این کریدور برای اربیل در نظر بگیرد.

● نکته شما اینجا دقیقاً در تقابل با تحلیلتان قرار دارد؟

اجازه دهید. موضوع اینجاست که این کریدور توسعه و شبکه راه‌آهن ۱۲۰۰ کیلومتری یک کنسرسیوم است که اینجا اقلیم کردستان عراق هم باید بخشی از حفظ امنیت آن را بر عهده بگیرد. این به معنای آن نیست که ترکیه این کریدور را از مرز یا از خاک اقلیم کردستان رد می‌کند، بلکه یک وظیفه امنیتی را برای اقلیم تعریف کرده است و به همین دلیل اردوغان به موازات دور زدن کردها در این سفر مشخص، احتمالاً چانه زنی هم برای حفظ امنیت این کریدور توسعه با کردها خواهد داشت. به هر حال باید در نظر بگیریم که گروه‌های مسلح کرد ضد ترکیه و مشخصاً پ.ک.ک واقعاً در صورت احداث این خط راه‌آهن ۱۲۰۰ کیلومتری می‌توانند با هرگونه عملیاتی و انفجار این خط راه‌آهن، کل آن را از کارکرد و استفاده خارج کنند. اینجاست که ترکیه به نقش امنیتی اقلیم کردستان عراق نیاز دارد؛ بله احداث چنین خط آهنی حداقل به یک بازه زمانی ۲ ساله نیاز دارد. اما چون همان طور که گفتم یک پروژه کنسرسیومی است، باید کشورها و شرکت‌های سرمایه‌گذار از همین الان و پیش از اجرایی شدن و عملیاتی شدن این کریدور توسعه، تضمین‌های امنیتی لازم را برای حفظ سرمایه خود در عملیاتی کردن خط آهن از جنوب ترکیه تا بندر فاو در عراق کسب کنند. اینجا چون موضوع امنیت است خود به خود قطعاً مسأله کردی اهمیت پیدا می‌کند، اما به معنای آن نیست که اقلیم کردستان سهم اجرایی در این پروژه خواهد داشت.

● اگر بخواهیم از منظر راهبردی‌تر به موضوع نگاه کنیم و گفته حضرتعالی را هم مد نظر قرار دهیم. آیا تغییر ریل سیاست خارجی اردوغان در قبال کشور همسایه‌ای مانند عراق از ریل امنیتی به ریل تجاری پس از آغاز دوره ریاست جمهوری وی که به اذعان اردوغان می‌تواند آخرین دوره حضورش در قدرت باشد، حکایت از آغاز دوران تنش‌زدایی آنکارا در غرب آسیا دارد؟ در نظر داشته باشیم که آغاز دوره جدید ریاست جمهوری اردوغان تقریباً در یک سال گذشته با روی کار آمدن هاکان فیدان به عنوان سکاندار سیاست خارجی ترکیه با یک چهره امنیتی دقیقاً خلاف آن چیزی است که شما تحلیل کردید؟

اتفاقاً نکته اینجاست که روی کار آمدن هاکان فیدان به‌عنوان وزیر امور خارجه ترکیه در دوره جدید ریاست جمهوری اردوغان با یک سابقه امنیتی لزوماً به معنای این نیست که آنکارا کماکان سیاست‌های امنیتی را در قبال منطقه و همسایگانش پیاده می‌کند. ضمن اینکه فراموش نکنیم اگر برخی سلیقه‌ها نقش و جایگاه مهم‌تری در ترسیم سیاست خارجی اردوغان داشته باشند، به نظر من وزن او (فیدان) در مقایسه با اسلافش بیشتر است.

● یعنی شما وزن هاکان فیدان را بیشتر از مولود چاوش اوغلو و احمد داوود اوغلو می‌دانید؟

بدون شک....

● این را هم در نظر بگیریم آغاز دوره جدید ریاست جمهوری اردوغان کماکان به مانند ریل‌گذاری سال‌های قبل است. توجه داشته باشیم که اردوغان همواره به سیاست پراگماتیک یا دیپلماسی پراگماتیستی معروف است، اما به باور من رویه او در دو دهه گذشته، چه در مقام نخست‌وزیر و چه در مقام رئیس‌جمهور ترکیه، نه پراگماتیک و نه حتی ریویزیونیسم سیاسی (تجدیدنظرطلبی سیاسی)، بلکه مصداق بارز اپورتیونیسم دیپلماتیک است. کما اینکه برخلاف تحلیلتان اینجا به نظر می‌رسد که سفر اردوغان به عراق هم در همین چهارچوب قابل تعریف است؟

اجازه دهید اول به سؤال قبلی شما کامل جواب بدهم. من معتقدم اتفاقاً اگر از منظر آگاهی پیشینی به موضوع نگاه کنیم، به نظر من دانش و اشراف اطلاعاتی و امنیتی هاکان فیدان به دلیل سابقه اطلاعاتی وی درخصوص مسائل زیرین و لایه‌های عمیق‌تر تحولات خاورمیانه به مراتب بیشتر از مولود چاوش اوغلو و احمد داوود اوغلو است. این را هم اضافه کنید که هاکان فیدان هیچگاه در سیاست خارجی جدید دولت اردوغان خود را درگیر چهارچوب‌های نظری ورشکسته شده روابط بین‌الملل نمی‌کند. یعنی فیدان در مقام سکاندار سیاست خارجی ترکیه هیچ ارتباط و دیالکتیکی با نظریه‌های پوسیده حوزه بین‌الملل ندارد که کمکی به تحقق منافع و اهداف ترکیه در منطقه و جهان بکند. به بیان دیگر سابقه اطلاعاتی و امنیتی فیدان اتفاقاً به وی گوشزد می‌کند که از این نظریه‌های ورشکسته روابط بین‌الملل عبور کند. حالا به این سؤال شما برسیم؛ اینکه شما می‌گویید سیاست خارجی اردوغان از سطح پراگماتیستی و ریویزیونیستی عبور کرده...

● عبور کرده یا عدول کرده ؟

نه عدول کرده نه عبور. چون سیاست خارجی اردوغان اصلاً پراگماتیستی و به طریق اولی اپورتیونیستی نیست. رویکردهای متفاوتی در عرصه سیاست خارجی باید وجود داشته باشد تا سیاستگذار و تصمیم‌گیر بتواند از روندها و مسیرهای موازی برای رسیدن به منافع و اهداف خود استفاده کند. اینجا به نظر من قرائت اپورتیونیستی و فرصت‌طلبانه غلط است و من به پراگماتیسم در سیاست خارجی مشخصاً در قبال اردوغان اعتقادی ندارم، بلکه من قرائت ریویزیونیستی را درست می‌دانم. برای مثال اردوغان رودرروی شیمون پرز می‌گوید حکومت بچه‌کش. سال‌ها بعد همین اردوغان به بهترین شکل ممکن از اسحاق هرتزوگ، رئیس رژیم اسرائیل استقبال می‌کند. بعد هم با آغاز عملیات طوفان‌الاقصی و جنایات اسرائیلی‌ها در نوار غزه، اردوغان مجدد جزو منتقدین جدی کشتار نتانیاهو می‌شود و تا مرز تعلیق روابط بین آنکارا و تل آویو پیش می‌رود. اینجا پراگماتیسم مطرح نیست، کما اینکه اپورتیونیسم هم وجود ندارد، بلکه یک نگاه ریویزیونیستی حاکم است که هرجا حکم کند براساس اقتضائات زمانی و مکانی می‌توان در سیاست خارجی تجدید نظر کرد تا به اهداف و منافع ترسیم شده دست پیدا کرد.

● اتفاقاً از همین بحث و جدال درخصوص تغییر سیاست خارجی اردوغان در دولت جدید و روی کار آمدن فیدان می‌خواستم به هدف بعدی سفر اردوغان به عراق بپردازم که ناظر به مسأله بحران آب و دیپلماسی آب است. به گفته شخص اردوغان موضوع آب یکی از مهم‌ترین بندها در دستور کار وی در جریان سفر به عراق است. این در حالی است که به گفته بسیاری از تحلیلگران و ناظران، ترکیه در سال‌های اخیر از موضوع آب به عنوان یک اهرم فشار در قبال همسایگانش به‌خصوص کشور عراق که در خشکسالی به سر می‌برد، سوء استفاده کرده است تا منافع اقتصادی، تجاری و حتی امنیتی خود را پیش ببرد. پس موضوع کاملاً فرصت‌طلبی است، نه تجدید نظر طلبی؟

اتفاقاً اینجا هم قرائت، یک قرائت کاملاً تجدید نظر طلبانه است. ما نمی‌توانیم به این نگاه فرصت‌طلبی بگوییم. حتی اگر آن چیزی که شما بر آن اصرار دارید را هم بپذیریم و به فرصت‌طلبی در سیاست خارجی کشورها اذعان داشته باشیم این تنها مختص اردوغان و ترکیه نیست. همین سیاست توسط امریکا برای مکزیک پی گرفته شده است. کما اینکه احتمال دارد چند سال آینده کانادا هم همین سیاست را در قبال امریکا پیاده کند و همین الان هم کانادایی‌ها به دنبال اعمال نفوذ در قطب شمال هستند. اما اگر به سؤال شما برگردیم، بله در کنار موضوع کریدور ۱۲۰۰ کیلومتری از جنوب ترکیه به بندر فاو در عراق قطعاً موضوع دیپلماسی آب هم می‌تواند محل بحث اردوغان در بغداد با دولت السودانی باشد.

> هدف اصلی سفر اردوغان به عراق تلاش برای تحقق کریدوری است که ترکیه به آن کریدور «توسعه» می‌گوید. این کریدور توسعه شامل یک راه آهن به طول ۱۲۰۰ کیلومتر از جنوب ترکیه به بندر فاو در عراق است و نکته اینجاست که این پروژه ریلی و کریدور توسعه مد نظر ترکیه از اقلیم کردستان عراق و اربیل رد نمی‌شود و قطعاً اقلیم کردستان عراق از این موضوع خوشنود نیست

اینجا با شما هم نظرم که ترکیه سعی دارد از ابزاری مانند دیپلماسی آب برای تحقق و تعمیم نظر خود استفاده کند. چون قطعاً هر کشوری که یک برگ برنده داشته باشد از آن استفاده خود را خواهد کرد، کما اینکه من هم معترفم ترکیه سعی دارد از موضوع آب برای فشار به همسایگان خود به خصوص همسایگانی مانند ایران و عراق که در خشکسالی به سر می‌برند نهایت استفاده یا سوءاستفاده را ببرد. ما همین مشکل را با طالبان در افغانستان پیرامون مسأله حقابه هیرمند داریم و طالبان می‌خواهد از این اهرم در مقابل ایران سوء استفاده کند یا ما در آذربایجان هم شاهد هستیم که باکو به دنبال چنین سیاستی در قبال ایران و رودخانه ارس است. لذا به نظر من اردوغان درخصوص دیپلماسی آب سعی خواهد کرد برای دادن حقابه به عراق در جریان سفر خود، امتیازاتی را از بغداد بگیرد. حالا اینکه چه امتیازاتی خواهد بود، اینها پشت درهای بسته مطرح می‌شود. من متصورم که اینجا مسأله شاید انرژی باشد. یعنی ترکیه در قبال دادن حقابه، امتیازاتی را در حوزه نفتی و گازی کسب کند.

● نکته بسیار خوبی را مطرح کردید که اتفاقاً در تقابل با تحلیل پیشین شماست. اگر آن‌گونه که عنوان داشتید اردوغان واقعاً به دنبال امتیازات نفتی و گازی باشد پس دور زدن کردها و اقلیم کردستان عراق مبتنی بر تحلیل‌تان نزدیک به واقعیت نیست...

ببینید، برخی تحلیل‌ها این گزاره اشتباه را القا می‌کند که تا پیش از سفر اردوغان به عراق و اقلیم کردستان، ترکیه هیچ‌گاه نفت خام ارزان‌قیمتی از اربیل دریافت نکرده است و قرار است بعد از این سفر انجام شود. درحالی که این گزاره به طور کامل غلط است. اتفاقاً متصدی اجرای معاملات پشت پرده نفتی بین اقلیم کردستان عراق و خانواده بارزانی با ترکیه توسط خانواده اردوغان انجام می‌شود و این رویه‌ای است که در طول تمام این سال‌ها صورت گرفته است و چیز جدیدی هم نیست. پس گفته‌های من اینجا خلاف واقعیت نیست. اتفاقاً به نظر می‌رسد که بغداد در سفر اردوغان به دولت آنکارا فشار خواهد آورد که این معاملات پشت‌پرده و غیرشفاف را علنی کند.

یعنی باید میزان و محل صادرات نفت خام از اقلیم کردستان به ترکیه روشن شود. قیمت و نرخ نهایی صادرات تعیین شود و این پول طبق قانون اساسی به خزانه مرکزی در بغداد واریز شود و بعد دولت مرکزی عراق آن را به کل کشور از جمله اقلیم توزیع کند. این درحالی است که طی سال‌های گذشته اردوغان با پسران ینالی بیلدریم و از طریق ۳ کشتی، نفت خام اقلیم کردستان عراق را صادر کرده است. البته به نقل از برخی اخبار، اردوغان در نظر دارد در این سفر خود به عراق، موضوع صادرات انرژی از موصل را هم در دیدار با دولت السودانی نهایی کند. پس اینجا اتفاقاً رئیس‌جمهور ترکیه به‌دنبال تنوع‌بخشی در معابر واردات نفت خام از عراق به ترکیه است. اما نکته کاملاً مهمی وجود دارد؛ ناظر بر اینکه وقتی مسأله انتقال نفت خام توسط لوله‌ها انجام شود، دیگر نمی‌توان این دست قراردادها را شخصی کرد. یعنی پروژه انتقال نفت از موصل به جیحون کاملاً ملی خواهد بود و سطح و نوع آن مشخص است. اما مراودات انرژی بین اقلیم کردستان و اردوغان اکنون یک روند شخصی و غیرشفاف پیدا کرده است. درست است که در این میان برخی اخبار و گزارش‌ها مطرح شده، اما به طور کامل و شفاف نمی‌دانیم که اکنون چه شرکت‌هایی مسئول استخراج نفت خام از اقلیم کردستان عراق هستند و از چه معابری و با چه قیمتی به ترکیه صادر می‌شود. از آن طرف؛ چه مبلغی و از طریق چه بانکی به اربیل داده می‌شود و سهم دیگر جریان‌های سیاسی کردی در این معاملات غیرشفاف نفتی چیست.

● تا اینجای مصاحبه بحث شد که رئیس‌جمهور ترکیه قصد دارد در این سفر، درباره صادرات نفت اقلیم کردستان عراق، مسائل آبی و پروژه چند میلیارد دلاری راه‌آهن که از سواحل جنوبی عراق تا مرز ترکیه در شمال امتداد دارد، گفت‌وگو کند. اما موضوع مهم‌تری هم مطرح است که بر امنیت مرزها و نگاه به خط قرمز امنیتی ترکیه یعنی کردها و قندیل تأکید دارد. این سفر اردوغان چه معادله‌ای را برای کردها و قندیل ترسیم می‌کند؟

سؤال بسیار مهمی را مطرح کردید و من هم اذعان دارم که یکی از جدی‌ترین خط قرمزهای امنیتی ترکیه طی سال‌های گذشته موضوع کردها و قندیل بوده است. با وجود این باید عنوان داشت که به نظر من قرار نیست از دل سفر اردوغان به عراق و اقلیم کردستان معادله جدیدی برای نحوه مواجهه با «پ ک ک» و تحولات در قندیل رقم بخورد. فراموش نکنیم که هنوز دولت اردوغان در یک عدم‌قطعیت و عدم‌ثبات سیاسی پس از شکست در انتخابات شهرداری‌های ترکیه به سر می‌برد. حزب عدالت توسعه به رتبه دوم تنزل پیدا کرده است و اکنون سیاست‌های اردوغان بشدت زیر سؤال رفته است. فراموش نکنید در همین انتخابات شهرداری‌ها و شوراهای شهر سعی شده بود، برای بسیاری از مناطق کردنشین ترکیه یک مهره‌ای از حزب عدالت و توسعه و احزاب همسو روی کار بیاید که دقیقاً برعکس شد و چهره‌های کرد روی کار آمدند. شاید این تغییر وضعیت، نگرانی برای موضوع کردها برای اردوغان ایجاد کند، اما چون عدم‌قطعیت و تبعات شکست در انتخابات شهرداری‌ها سایه سنگینی بر سیاست‌های اردوغان انداخته است به نظر من در این سفر رئیس‌جمهور ترکیه به عراق و اقلیم، خط ریل جدیدی برای موضوع کردی ترسیم نمی‌شود.

از طرف دیگر در نظر داشته باشیم، با توجه به بحران اقتصادی در ترکیه و تورم شدید در این کشور که یکی از عوامل مهمی بود که باعث شد حزب عدالت و توسعه و اردوغان در انتخابات اخیر شکست بخورد، اکنون رئیس‌جمهور ترکیه به‌دنبال آسیب‌شناسی است و سعی دارد پس‌لرزه‌های این شکست سیاسی در انتخابات را کنترل کند.

برش

اردوغان با چه رویکردی به عراق سفر می‌کند؟

به نظر من چون اردوغان در پس‌لرزه‌های شکست انتخاباتی به سر می‌برد شاید به جای رویکردی اقتدارگرایانه و سیاست سختگیرانه امنیتی به دنبال تحقق دیپلماسی فعال در حوزه اقتصادی و گشایش‌های تجاری باشد تا بتواند بخشی از چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی و معیشتی در داخل ترکیه را از مسیر دیپلماسی کنترل کند. هرچند که موضوع شکست اردوغان صرفاً به حوزه اقتصادی بازنمی‌گردد، بلکه بخشی از این شکست ناظر به سیاست دوگانه اردوغان در قبال اسرائیل پس از عملیات طوفان‌الاقصی بود. اما در مجموع به نظر من، چون رویکرد اردوغان در سفر به عراق یک رویکرد سخت‌گیرانه نیست به همین دلیل دوباره تأکید می‌کنم که بعید به نظر می‌رسد پس از حضور اردوغان در عراق و اقلیم کردستان اتفاق خاصی در حوزه امنیتی و مشخصاً نوع مواجهه با «پ ک ک» و قندیل روی دهد.